

تاثیر بحران جهانی بر اقتصاد ایران



برای نفت در بازارهای جهانی نیز اثر مستقیمی بر بهای نفت دارد و موجب کاهش قیمت جهانی این کالای مهم وکلیدی می‌شود؛ در همین ارتباط قیمت نفت از ۱۴۵ دلار در هر بشکه اکنون با ۵۰ درصد کاهش به جایی رسیده است که اثر مخرب خود را بر اقتصاد کشور های تولید کننده نفت به جای می‌گذارد. در این میان کشورهایمانند ایران که اقتصادی کاملاً وابسته به نفت دارند در این افت و خیزها به صورت نسبی لطمه خواهند خورد. به طور مثال رکود اقتصادی در چین که خود بر اثر رکود اقتصادی جهانی و کاهش تقاضا و صادرات بر اثر رکود اقتصاد جهانی و کاهش تقاضا و صادرات آنان ایجاد شده از میزان تولید و نیاز این کشور به انرژی نفت می‌کاهد و بر بهای جهانی نفت اثر می‌گذارد. رکود اقتصادی آمریکا و سایر کشورها که اثر خود را از راه کاهش بهای نفت و همچنین محدود شدن واردات کالا بر اقتصاد ایران به جای می‌گذارد و در نهایت از میزان تولید ناخالص ملی ما خواهد کاست هر چند می‌توان امیدوار بود که با توجه به شانس‌های اقتصاد ایران در عدم پیوستن به سازمان تجارت جهانی کسب کرده است موسسات مالی و بانکی ما صدمه شدیدی نخواهد خورد. در این معادلات بی تردید یکی از مکان‌هایی که مورد ضرب قرار می‌گیرد بخش کلان تجاری است که با توجه به روابط آشکار و پنهان خود دیگر از پول نفت محروم خواهد شد و دولت با درپیش گرفتن سیاست‌های انقباضی بیشتر سعی خواهد کرد از ریخت و پاش‌های معمول و اعتنا به نورچشمی‌ها تا حد بسیار زیادی بکاهد؛ بنابراین اگر قیمت کاهش نفت با همین شرایط ادامه پیدا کند؛ بخش تجاری ایران که نزدیک به ۲۰ سال است مالک بی‌ربغیب پول نفت بوده آرام آرام سیطره خود را از دست خواهد داد و به ناچار باید خود را با شرایط جدید تطبیق دهد. دولت برای حفظ شرایط موجود راهی بجز حمایت از تولید و به کارگیری بخش تجاری در معادلات جدیدی که منجر به صادرات کالاهای ایرانی شود ندارد. از این رو در تحلیل نهایی می‌توان گفت اگر چه رکود و تورم جهانی شرایط بسیار سختی را برای اقتصاد ایران رقم می‌زند ولی فرصت طلایی برای صنایع ایران در شرف آزمون خواهد بود.

کنترل بازار بورس جهانی بود. در همین رابطه از روز دوشنبه ۱۳ اکتبر انگلیس کنترل دو بانک بزرگ دیگر «رویال بانک سکاتلند» و «هالیفکس بانک سکاتلند» را که بیشتر از سایر بانک‌های دیگر تحت تاثیر بحران اخیر قرار گرفته‌اند. به دست خواهد گرفت. دولت انگلیس با تزریق ۶۴ میلیارد یورو وجه نقدینگی آنها را حمایت و تثبیت مالی آنها را ضمانت خواهد کرد. تا هم اکنون دولت انگلیس ۱۹ میلیارد یورو به «رویال بانک» و ۱۰ میلیارد یورو به «هالیفکس بانک» و ۳.۸ میلیارد یورو به «بارکلیس» کمک کرده است. قبل از این که دلایل بحران مالی را مورد بررسی قرار دهیم، وضعیت آشفته‌ی بازار بورس در چند کشور خاورمیانه‌ای و آسیایی را در یکشنبه ۱۲ اکتبر مورد بررسی قرار می‌دهیم. مصر با کاهش ۹ درصدی، اسرائیل با کاهش ۷.۶۸ درصدی، عربستان سعودی با کاهش ۶ درصدی امارات متحده با کاهش ۹.۱ درصدی، قطر و دوحه با کاهش ۶.۶ درصدی به مشکل گیر افتادند. به غیر از مصر و امارات متحده ارزش سهام سایر کشورها در مقایسه با کشورهای اروپایی در بازار بورس با کاهش زیاد مواجه نشدند. در حالی که انتظار می‌رفت میزان پایین آمده یا کاهش ارزش سهام آنها بیش از ارقام ذکر شده باشد. زیرا اکثر سهام خرید و فروش شده در سطح جهانی و یا بورس‌های پولی (دالر و یورو) متعلق به کشورهای غربی، جاپان و هنگ کنگ هستند و نه کشورهای خاورمیانه‌ای. بنابراین انتظار می‌رفت که مثلاً بازار بورس امارات متحده و یا عربستان با کاهشی برابر با تقریباً ۱۲ درصد مواجه باشند. در حالی که چنین نیست، شاید به دلیل این که مصر و امارات متحده بیشتر با سهام امریکایی و یاسهامی که در بخش‌های ساختمانی و مسکن در بازار معامله می‌شوند کاری کنند. در ضمن لازم است بدانید که در جمعه ۱۰ اکتبر بازار بورس لندن ۸.۸۵ درصد و نیورک ۱۸ درصد کاهش نشان دادند. سایر بازارهای بورس از آن جمله سایپوپایولو در ۱۰ اکتبر کاهشی برابر با ۱۰ درصد و امریکن لاتین در همین روز ۴ درصد کاهش داشت. ولی قابل ذکر است که بورس امریکایی لاتین از اول اکتبر کاهشی برابر با ۲۸ درصد را داشته است. در همین رابطه طبق تحقیقات انستیتوت «توکیو شوکو» تنها در ماه سپتامبر گذشته اعلام ورشکستگی شرکت‌ها ۳۴.۴ درصد افزایش نشان داده است. علت افزایش غیر منطقی چنین درصد بالایی، مربوط می‌شود به اعتبارهایی که بانک‌ها به شرکت‌های کوچک و متوسط اعطا کردند؛ اعتبار‌های که اکنون ارزش آنها به شدت پایین آمده است. در بعد داخل کشورمان نیز مولفه‌هایی وجود دارد که توجه کردن به آن می‌تواند تا حد قابل قبولی مسایل پیش‌رو را مرتفع سازد. به اعتقاد کارشناسان بزرگترین خطر برای اقتصاد متکی به نفت ایران در جریان رکود اقتصادی بازارهای پولی؛ تغییرات قیمت نفت است. از نگاه دیگری می‌توان گفت: رسیدن به مرز ورشکستگی بانک‌ها تاثیر مستقیمی بر بخش واقعی اقتصاد با تولید کشورها دارد که در نتیجه از تقاضای کل اقتصاد آنان و نیاز به انرژی و نفت می‌کاهد. کاهش تقاضا

● **صادق چیت ساز**
نزدیک به دو سال است که کوس رسوایی بحران و رکود اقتصاد آمریکا در سراسر جهان شنیده می‌شود و در این رابطه هم بیماران این غول جهانی سرمایه در این گرداب گرفتار آمده‌اند؛ همان‌طور که اطلاع دارید شروع این بحران از صنعت ساختمان سازی این کشور آغاز شد و موسسات مالی و بانکی آمریکا را مرحله به مرحله در هم نوردید. در جهان امروز که شرکت‌های فراملیتی به عنوان قدرت مطلق اقتصادی جهان پدیدار شده‌اند؛ ونوعی شراکت در بین دول جهانی شکل گرفته و با ستاد‌های از پیش تعیین شده به مانند سازمان تجارت جهانی؛ صندوق بین‌المللی پول؛ بانک جهانی و دیگر اشکال موجود به سیطره خود بر روابط و مناسبات اقتصاد و سرکردگی خود بر دیگر دول جهان ادامه می‌دهند؛ بدون تردید هر گونه لرزه‌ای بر اقتصاد این ساختار اثر خود را بر پیکر شرکا و اجزای باقی مانده به جای خواهد گذاشت. رکود جهانی اقتصاد با بالا رفتن قیمت نفت همراه شد. رشد قیمت انرژی اثر خود را بر تمام ارکان نظام جهانی به جای گذاشت؛ این عمل تا جایی ادامه یافت که کارخانه‌های تولیدی از حرکت بازماندند و اقتصاد جهانی با رکود بی سابقه‌ای پدیدار گشت. بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی عنوان کردند با هر ۱۰ دلار افزایش قیمت نفت ۰/۶ درصد تولید جهانی کاهش خواهد یافت. بنابراین برای حرکت بخشیدن به تولید جهانی از سوی دولت‌های غربی اقدام به تزریق صدها میلیارد دلار به ساختار بیمار این کشورها شد؛ که در نهایت حاصلی نداشت؛ کشورهایی که دیروز با دست‌پاچگی به دنبال پیوستن به سازمان تجارت جهانی بودند و پرچم W.T.O را یدک می‌کشیدند؛ در گردابی ناخواسته گرفتار آمدند؛ بحران جهانی نظام سلطه طلب سرمایه امروز به ناقوس مرگ اقتصاد هم‌بیماران خود تبدیل گشته است؛ در این میان می‌توان به بخشی از آمار موجود در رابطه با رکود و ورشکستگی مذکور اشاره کرد. گرچه بحران مالی در نظام سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر است و چنین نظامی همیشه با بحران دست به گریبان است، ولی این بار مانند سال‌های بحرانی ۱۹۲۹ و یا ۱۹۸۷ ابعاد آن از آن چنان گسترده‌تری ای بر خوردار است که نگرانی بسیاری از دولت‌ها و واکنش آنها را در یافتن راه‌حلی فوری متوجه می‌شویم. چرا که این بحران تمام بخش‌های مختلف صنعتی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. به همین دلیل خیلی سریع دولت‌های آمریکا و اروپا هر یک برای نجات بانک‌های ورشکسته و بانک‌های دیگر که یا در حال ورشکستگی و یا با کسر موجودی مواجه هستند، راه‌حل‌های جداگانه‌ای را به کار بردند. بطور مثال در آمریکا، خزانه داری این کشور با اختصاص ۷۰۰ میلیارد دلار برای نجات دو بانک ورشکسته و بازار بورس «وال ستریت» توانست تا حدودی بار قرض‌های هر دو بانک را کاهش دهد. راه‌حل دیگر که انگلیس و آلمان به کار بردند، ملی کردن بخشی از بانک‌های ورشکسته بود. در واقع این دو راه‌حل فوری‌ترین و تنها راه‌حل‌ها در مقابل ورشکستگی و پایین آمدن غیر قابل